

اهمیت و ارزش جهانی ادبیات کلاسیک ایران

* با استناد به نوشته های گوته

شرط نخستین برای درست فهمیدن خصوصیات بسط و توسعه ادبیات کلاسیک ایران بی شك و شبهه مطالعه مآخذ است. اما این کافی نیست و شرط مهم نیز آن است که جا و اهمیت ادبیات فارسی را در ترقی ادبیات جهانی همه جانبه تحقیق بنمائیم. از این لحاظ عقیده شاعر و متفکر بزرگ آلمانی گوته برای ایران شناسان اهمیت فوق العاده دارد. قبل از گوته، در آخر قرن شانزدهم و آغاز قرن هفدهم میلادی، در ادبیات اروپا یک جریان philo-orientalisme «فیلو اورینتالیسم» خاص یعنی «شرق دوستی» تشکیل یافت. در درامهای شرقی ولتر و «نامه های فارسی» منتسکیو میتوان پایه عالی ادبیات ناظر بردوستداری شرق را دریافت. در این اثرهای مشهور، شرق برای افاده آرمان های آزادی-خواهانه غرب بمنزله یک سرپوش و نوعی وجه استعاره بکار می آمد. گوته نیز از این اسلوب خود داری نکرده بلکه توانسته است موفقیت های دو فرهنگ - یعنی فرهنگ خاور و تمدن غرب را - به طرز درخشان بهم پیوند بدهد و در یک جا عصاره یک سنتز SYNTHÈSE نو را به وجود بیاورد. نمونه عالی چنین سنتزی «دیوان غرب و شرق» گوته میباشد.

گوته گمان میکرد که اساس نظم شرق را احترام به سخن گفته شده و یک نوع پرستش کلام تشکیل میدهد. این گونه توجیه کلام ریشه های تاریخی دارد و در ابتدا در اعتقاد قدما به قدرت اعجاز کارانه سخن - مثلاً منتره سپننه در اوستا - افاده شده بود. برای شاعر شرقی کلام برابر عمل بوده و یک سلاح تاثیر بخش به شمار میرفت. برای ثابت نمودن این فکر می-توانیم صد هابیت از نظم کلاسیک فارسی را بعنوان شاهد و مثال نقل

* این مطالب در کنگره جهانی ایرانشناسان بصورت سخنرانی ایراد گردیده است.

نمائیم . اما فقط به چند بیتی که بر هر ایرانی باسواد معلوم است اکتفا میکنیم .

بنا های آباد گردد خراب
ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند
بدین نامه بر عمر ها بگذرد
بخواند هر آن کس که دارد خرد
کزین پس بداند چه باشد سخن
بیندیشد از پند پیر کهن

کلام بدیع دو جهت دارد :

۱ - پر معنایی

۲ - سیر مغزی .

کلام ، شمشیر تیز شاعر میباشد ولی سپر او هم هست . کلام میتواند همچون پرده‌ای به کار گرفته شود که گوینده معنای حقیقی شعر خود را بتوسط آن پنهان بدارد .

عقیده گوته آن است که در نظم شرق میل و رغبت به کنایه و مجاز به رنگ آمیزی های دیگر برتری دارد ؛ چنانکه شرح دهندگان را در حیرت فرو برده ، در اطراف هر یک غزل و هر یک بیت بحث و مناظره های زیادی بوجود می آورد . این کامل تر است از معما چه هر معما فقط يك راه حل دارد . این در واقع لسان الفیب میباشد که در هر دور و زمانی گروه های مختلف خوانندگان آن غزل و بیت را موافق فهم خود درك و معنی می کنند . گوته در شعر هجرت - شرق را از لحاظ حرمت به کلام گفته شده و پر حکمت تصویر میکند .

Wie das Wort so wichtig dort war,

Weil es ein gesprochen Wort war

یعنی :

سخن آنگاه پر قیمت بود

چون آن سخن پر حکمت بود

گوته به حافظ خطاب کرده باز میگوید :

اول معنا را درمی یابم و بعد سخن را

تا که آن به گوشها يك نواخت نرسد .

آخر ، کلام باید مضمون نوی را افاده کند ،

چنانکه تو این را دوست میداشتی ، ای مرد مستعد .

طرز سخن سرائی بتوسط رمز و مجاز در شعر گوته «کنایه» در

صورت قطعه ای بعنوان بادبزن به خوبی افاده یافته است .

... سخن چون بادبزن است

از بین پره های آن بجانب ما دو چشم زیبا می تابد .

آخر ، بادبزن چون پرده‌ای است .
گرچه روی دختر را از ما پنهان می‌کند ،
اما از نمان داشتن قیافه او عاجز است .
بهترین ثروتی که آن دختر دارد .
چشمان او ، به دیده های من میتابند .

دیوان گوتته از دوازده کتاب عبارت بوده ، کتاب نخستین آن
«مغنی نامه» گویا که بیان مختصر ایمان شاعر میباشد . نخستین شعر این
کتاب «هجرت» نامیده شده است که خود این نام اسلوب شرقی بودن
آنها نشان میدهد .

چنانکه محمد (ص) پیغمبر اسلام از مکه به مدینه هجرت کرده بود ،
شاعر نیز از محیط خود ، یعنی از عالم ارتجاع که بعد از جنگهای ناپلئون
در اروپا آغاز شده بود ، گریخته است .

این شعر پر از رمز و مجاز است ، ولی بیت های آخرین آن مقصد
حقیقی شعر را که نشان دادن موقع شاعر در آن زمان سخت میباشد ،
خیلی روشن بیان میکند .

اگر به من حسد کرده باشید یا آزارم داده باشید ،

بدانید که سخن شاعر در آستانه در جنت

همیشه شناور است . آهسته آن در را می‌کوبد

و برای خود عمر جاودانه می‌طلبد

حل معمای این شعر را در کتاب آخرین دیوان «خلد نامه» در
منظومه «رخصت به درآمدن» می‌بینیم .

حوری دلربائی که جلو در جنت ایستاده است از شاعر که در جنت
را میکوبد می‌پرسد که حق داشتن خود را برای داخل شدن در جنت
با چه چیز میتواند اثبات بکند . شاعر جوابش میدهد :

خرده گیری کمتر کنید ! Nicht so vieles Federlesen !

وزودتر بمن راه دهید . Lass mich immer nur herein !

زیرا من انسان بودم ، Denn ich bin ein Mensch gewesen ،

یعنی مجاهد و مبارز بودم Und das heisst ein Kämpfer sein

مگر این بیت مشهور فاوست را بخاطر نمی‌آورد ؟

Nur der verdient sich Freiheit wie das Leben

Der taglich sie erobern muss

سزاوار خوشبختی و آزادی فقط کسی است که هر روز بخاطر

اینها بجنگ رفته باشد . این شباهت دو اثر گوتته تصادفی نیست ، زیرا

که مضمون اساسی «دیوان» به دایره افکار «فاوست» داخل شده است .

جالب توجه آن است که افکاری که در دیوان افاده شد ، مخصوصاً به نظم

کلاسیک فارسی مبتنی است و از این لحاظ ماهیت جهانی این نظم را

کاملاً بظهور میرساند .

از گفته گوتته ما میتوانیم استنباط کنیم که شکل بدیع شرقی از پیوند سه تصویر عبارت است که در عین حال مضمون دیوان را تشکیل میدهند:

۱- تصویر شاعری که گوینده کلام حقانی است ،

۲ - تصویر حیات ابدی کلام منظوم ،

۳ - تصویر مبارزه دائمی و پیوسته در راه آرمانها - بتوسط کلام

بدیع .

تصویر شاعر حق گوی در کتاب دوم دیوان که «حافظ نامه» نام دارد بطور خیلی واضح بیان میشود ، مخصوصا در شعری که تصویر شمع و پروانه را مجسم می نماید . نام این شعر مشهور «عذاب سعادت - بخش» است و در آن گوتته تصویر دوم را یعنی حیات ابدی داشتن کلام منظوم را ، ماهرانه افاده می کند .

این را به کسی جز به دانایان مگوئید ،

زیرا عوام در حال ریشخند و مسخره میکنند .

من آن چیزی را وصف کرده ام که زنده است

و آرزوی مرگ در آتش دارد .

و پس از هلاکت پروانه که در عشق خود به شمع وفادار است ،

گوتته شعار مشهور خود «بمیر و زنده شو» را به میدان میگذارد .

Und so lang du das nicht hast

Dieses: stirb und werde

Bist du nur ein trübe Gast

Auf den dunklen Erde

اگر مرگ برای حیات میسرت نشود ،

تو بر این خاک تیره

مهمان گمراهی پیش نیستی .

نهایت معنای شعر «هجرت» در اینجا کاملا روشن میگردد . معنای

آن بهیچوجه روگردانی زاهدانه از حیات نیست - معنای حقیقی اش ،

رفتن از عالم کهنه و تاریک است که شاعر در آن نمیتواند نفس بکشد ،

رفتن به سوی افکار و آرمان های نو ، بسوی اسلوب نو ، اسلوب غزل

حافظوار میباشد .

گوتته تاکید میکند که حیات شاعر از مبارزه برای حیات ابدی در

کلام بدیعی عبارت است که آن عصرها زنده خواهد بود و مردم را به پیش

رهنمائی خواهد کرد .

اما شاعری که میخواهد به جاودانگی و بی‌زوالی نایل شود ، همه
روزه باید جان خود را دریغ نکرده به ملت و بشریت خدمت کند .
این فکر نجیب گوته هم بر حکمت ایران استناد شده و در کتاب
«پارسی نامه» چنین افاده یافته است :

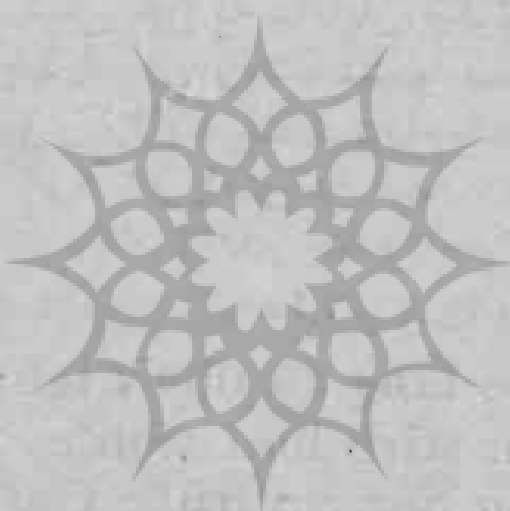
بگذار این يك وصیت مقدس شود ،

به یاد و خواهش برادرانه :

همه روزه به خدمت آماده باشیم ،

که کشف و الهام دیگر ما را لازم نیست .

من به پایان بیان خود رسیده‌ام و تکرار میکنم که عقیده گوته برای
همه ایران شناسان منبع گرانبهائی است که ماهیت جهانی بودن ادبیات
ایران را به ظهور میرساند و برای آموختن ادبیات فارسی با متدهای
اروپائی کمک ارزنده‌ایست .



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی